



فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
سال پنجم / شماره ۱۷ / بهار ۱۳۹۵

بررسی رابطه بین فرصت های سرمایه گذاری حسابرسی برای مشتریان و حق الزحمه حسابرسان متخصص صنعت و غیر متخصص

مهدي صالحی

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
Mehdi.salehi@fum.ac

محسن صحت

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه امام رضا(ع) (مسئول مکاتبات)
Mohsensehat13@yahoo.com

مجتبی مقدس نوقابی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابرسی دانشگاه فردوسی مشهد
Mojtaba.Moghaddas@stu.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۸

چکیده

فرصت های سرمایه گذاری (IOS) شامل فرصت های ویژه شرکت است که خاص مشتری بوده و همچنین فرصت هایی که قابل تعمیم به صنعت مورد نظر مشتری است و قابل دسترسی برای همه شرکت ها می باشد. هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین فرصت های سرمایه گذاری حسابرس برای مشتریان و حق الزحمه حسابرسان متخصص صنعت و غیر متخصص، با توجه به چارچوب ارائه شده توسط کاهان و همکاران (۲۰۱۴) می باشد. برای آزمون فرضیه های تحقیق از اطلاعات مالی ۹۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه های پژوهش نشان می دهد که IOS ویژه شرکت نقش متمایزی در قیمت گذاری خدمات حسابرسی دارد و هنگامی که حسابرسی برای حسابرسی پر ریسک حق الزحمه بیشتری را درخواست می کند این حق الزحمه افزایش می یابد. علاوه بر این در مواردی که مشتری هایی که دارای IOS متمایز از سایر شرکت های دیگر می باشند، حسابرس متخصص صنعت توانایی کمتری در تعیین حق الزحمه حسابرسی دارد.

واژه های کلیدی: حق الزحمه حسابرسی، فرصت های سرمایه گذاری، تخصص صنعت حسابرس، قیمت گذاری خدمات حسابرسی، سهم بازار حسابرس.

۱- مقدمه

اوکیف و همکاران (۱۹۹۴) استدلال می کنند که محصول حسابرسی نتیجه دانش و اطلاعات عمومی حسابرسی و اطلاعات وی در مورد صنعت و مشتری می باشد. در این پژوهش جهت استدلال این موضوع که هر چه شرکت های صاحبکار متفاوت تر از سایر شرکت های موجود در یک صنعت باشند حسابرسان نیاز دارند در اطلاعات مختص شرکت سرمایه گذاری بیشتری انجام دهند، حتی در صنایعی که خود حسابرس در آن متخصص بوده از طبقه بندی اطلاعات حسابرسی که توسط اوکیف و همکاران (۱۹۹۴) مطرح شد، استفاده گردیده است. در نتیجه سرمایه گذاری حسابرس در اطلاعات مربوط به شرکت هایی که نسبت به سایر شرکت های موجود در صنعت خیلی متمایز هستند کارایی کمتری دارد و به طور کلی افزایش اطلاعات منحصر به فرد شرکت و کاربرد کم اطلاعات مربوط به صنعت مستلزم حق الزحمه های بیشتری برای حسابرس شرکت بوده است. این در حالی می باشد که شرکت هایی که نسبت به سایر شرکت های یک صنعت متمایزتر هستند حق الزحمه های کمتری برای حسابرس متخصص پرداخت می کنند.

حسابرسان (متخصص و غیرمتخصص) باید برای دستیابی به اطلاعات مربوط به مشتریان که تأثیر مستقیم و مثبت بر هزینه های حسابرسی دارد سرمایه گذاری نمایند زیرا حسابرسان این هزینه ها را جبران می کنند. به عبارت دیگر با افزایش ناهمگونی ها در یک صنعت با توجه به اینکه مهارت های حسابرسان متخصص صنعت کاربرد چندانی ندارد، حسابرسان از مشتری هایی که شباهت کمتری با سایر شرکت های موجود در یک صنعت دارند حق الزحمه کمتری مطالبه می کنند. بنابراین در مورد قیمت گذاری حسابرس متخصص دیدگاههای نسبتاً متفاوتی ارائه می شود. این پژوهش از نظر عملی نیز مطرح است، پژوهش های انجام شده توسط سازمان حسابرسی عمومی آمریکا (GAO) (۲۰۰۸، ۲۰۰۶؛ ۲۰۰۳) نشان می دهد که یکی از معیارهای مهم مشتری ها در انتخاب حسابرس، مهارت صنعتی حسابرس می باشد. از دیدگاه رایه دهندگان خدمات، تخصص صنعت موسسات حسابرسی باعث افزایش تقاضا برای خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی آنها و بهبود کارایی حسابرسی از طریق صرفه اقتصادی و همچنین ایجاد تمایز در خدمات حسابرسی می شود (طبری و عارف منش، ۱۳۹۳).

بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده سؤالات به شرح زیر در ذهن ایجاد می گردد که در عمل: آیا حق الزحمه حسابرسان در شرکت های فعال در یک صنعت یکسان می باشد؟ در صورت تأثیر پیش بینی شده توسط فرضیه دوم، آیا در شرکت های که

اهمیت حسابرسی به عنوان یکی از ساز و کارهای راهبردی شرکتی، توجه زیادی را از سوی محققین به خود جلب کرده است. تخصص صنعت حسابرس، استراتژی متمایز کننده ای بین موسسات حسابرسی محسوب می شود که به موسسات حسابرسی این امکان را می دهد تا در انجام تقاضای مشتریان، خود را از رقبای موجود متمایز نمایند و همچنین این خصوصیت موسسات حسابرسی را قادر می سازد تا در ویژگی های غیر از قیمت با رقبای خود به رقابت بپردازند. در اکثر بررسی هایی که در مورد حق الزحمه حسابرسان متخصص صنعت انجام شده، شواهدی وجود دارد که نشان می دهد به حسابرسان متخصص صنعت حق الزحمه ی بیشتری تعلق می گیرد (کراسول، فرانشینز و تیلر، ۱۹۹۵؛ دیفاند، فرانشینز و وانگ، ۲۰۰۰؛ فرانشینز، ریچلت و وانگ، ۲۰۰۵؛ کارسون، ۲۰۰۹؛ ریچلت و وانگ، ۲۰۱۰). اما برخی از پژوهش ها به نتیجه مزبور دست پیدا نکرده اند (پیرسون و ترامپتر، ۱۹۹۴؛ فرگوسن و استوکز، ۲۰۰۲؛ فرانشینز و یو، ۲۰۰۹). محدودیت بالقوه این پژوهش ها این است که آنها در شرکت های موجود در یک صنعت حق الزحمه ی ویژه را ثابت در نظر گرفته اند (مورونی و سیمنت، ۲۰۰۹؛ فرانشینز و سیوی، ۲۰۱۲). همچنین در برخی از پژوهش ها از قبیل پژوهش هایی که تمرکز آنها بر موقعیت بازار حسابرس متخصص بوده تفاوت حق الزحمه حسابرس در صنایع مختلف را در نظر گرفته اند. میهی و ویلکینز (۲۰۰۳) فقط حق الزحمه حسابرسان متخصصی را پیدا کردند که سهم بازار آنها بسیار بیشتر از رقبایشان بود. کاهان و همکاران (۲۰۱۱) بین حق الزحمه حسابرسان متخصص و مشتریانی که توسط حسابرسان متخصص مورد رسیدگی قرار می گیرد رابطه ای معکوس یافته اند.

در رویکردی دیگر به تفاوت های موجود در ویژگی های صنعت تاکید می شود. کاهان و همکاران (۲۰۰۸) استدلال می کنند که حسابرسان متخصص جذب صنایعی می شوند که از فرصت های سرمایه گذاری بیشتری برخوردار باشند، که این موضوع بیانگر افزایش حق الزحمه حسابرس در این صنایع است. فرانشینز و سویی (۲۰۱۲) نیز همسو با کاهان و همکاران (۲۰۰۸) استدلال می کنند زمانی که صنعت پیشرفته تر باشد، مهارت حسابرسان متخصص صنعت اهمیت بیشتری پیدا می کند، در نتیجه حسابرسی که جهت انجام حسابرسی تخصصی صنایع پیشرفته انتخاب می شود حق الزحمه بیشتری خواهد داشت.

خواهند نمود و مستحق دریافت حق الزحمه بیشتر هستند. کاهان و همکاران (۲۰۱۱) خاطر نشان کردند که یک حسابرس به روشهای متفاوت می‌تواند سهم بازار بیشتری کسب کند. از یک طرف حسابرس می‌تواند یک شرکت بزرگ و سرشناس در یک صنعت را حسابرس نماید و از طرف دیگر حسابرس با حسابرسی تعداد زیادی شرکت کوچک در یک صنعت، سهم بازار بیشتری کسب نماید. این پژوهشگران بررسی نموده‌اند که کیفیت و حق الزحمه‌های حسابرسی چگونه بر اساس تعداد شرکت‌های موجود در صنعت که توسط حسابرس، حسابرسی می‌شوند تغییر می‌کند. نتایج آنها نشان می‌دهد هنگامی که حسابرسان تعداد کمتری (بیشتری) از شرکت‌های یک صنعت را حسابرسی می‌کنند حق الزحمه و کیفیت حسابرسی بیشتر (کمتر) می‌شود.

در صورت بیشتر بودن فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت، این انگیزه برای حسابرسان بوجود می‌آید که در اطلاعات مربوط به صنعت سرمایه‌گذاری کند لذا این امر مستلزم هزینه است. از نظر تئوری بالا بودن سطح اطلاعات مربوط به صنعت حسابرس باعث می‌شود که حسابرس محصول متمایز تری ارائه دهد (حسابرسی با کیفیت تر) و در نتیجه حق الزحمه حسابرس بیشتر می‌شود. کاهان و همکاران (۲۰۰۸) با استفاده از داده‌های موجود در سطح شرکت دریافتند در صنایعی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت بالا است، احتمال تخصصی سازی صنعت بیشتر است. آنها همچنین دریافتند که در این صنایع حق الزحمه‌های حسابرسی بیشتر است. با این حال آنها فقط به داده‌های سطح صنعت اکتفا کردند و بنابراین حق الزحمه حسابرسان متخصص را به طور مستقیم بررسی ننموده‌اند.

اوکیف و همکاران (۱۹۹۴) معتقدند حسابرسان برای انجام حسابرسی باید در اطلاعات مربوط به شرکت، اطلاعات مربوط به صنعت و اطلاعات عمومی سرمایه‌گذاری کنند. اگر چه اطلاعات مربوط به صنعت موجب متمایز شدن حسابرسان متخصص از غیر متخصص می‌شود، اما حسابرسان متخصص در صورتی می‌توانند از این اطلاعات خود بهره‌مند شوند که شرکت‌های موجود در یک صنعت همگون باشند (کرنی و یانگ، ۲۰۰۶ و کاهان و همکاران، ۲۰۰۸).

کرنی و یانگ (۲۰۰۶) دریافتند در شرکت‌هایی که ساختار هزینه‌های عملیاتی متنوع تر باشد احتمال وجود حسابرسان متخصص صنعت کمتر است. یافته‌های آنها نشان می‌دهد هنگامی که ناهمگونی در درون یک صنعت بیشتر باشد انتقال اطلاعات مربوط به صنعت از یک شرکت به شرکت دیگر دشوارتر است. یعنی بیشتر بودن ناهمگونی نشان دهنده

دارای فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتری هستند حق الزحمه حسابرسان متخصص صنعت کمتر است؟ آیا بین حق الزحمه حسابرسان و فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت رابط مستقیم وجود دارد؟

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

پژوهش‌های گذشته در خصوص توانایی حسابرسان متخصص صنعت در تعیین حق الزحمه‌های بالاتر برای حسابرس، نتایج دقیقی را ارائه نکرده است. کراس ول و همکاران (۱۹۹۵) با استفاده از معیارهای تخصصی سازی شواهدی را مبنی بر بیشتر بودن حق الزحمه حسابرسان متخصص صنعت بدست آورده‌اند. فرگوسن و همکاران (۲۰۰۳) و فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که حق الزحمه حسابرسان متخصص در سطح شهر بیشتر است و کارسون (۲۰۰۹) دریافت که رؤسای جهانی یک صنعت حق الزحمه‌های بیشتری را دریافت می‌کنند. از طرف دیگر پژوهش‌های پیرسون و ترامپتر (۱۹۹۴)، فرگوسن و استوکز (۲۰۰۲) و فرانسیس و یو (۲۰۰۹) بیشتر بودن حق الزحمه حسابرسان متخصص صنعت را تأیید نمی‌کنند. فرانسیس و سوی (۲۰۱۲) معتقدند که یکسان نبودن این نتایج ممکن است به دلیل ضعیف بودن طرح‌های پژوهش باشد. در اکثر پژوهش‌های گذشته پژوهشگران برای مشخص کردن مشتری‌هایی که حسابرسان متخصص صنعت را استخدام می‌نمایند، از یک متغیر ساختگی استفاده کرده‌اند. بنابراین در حالی که تشخیص حسابرسان متخصص در سطح صنعت مشخص می‌شود تأثیر این انتخاب بر هزینه‌های یک مشتری معین از یک صنعت خاص در سطح شرکت مورد بررسی قرار می‌گیرد. در اکثر پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده فرض بر این بوده که بیشتر بودن حق الزحمه حسابرسان متخصص در همه صنایع ثابت است.

پژوهش‌های متعددی بر رابطه بین حق الزحمه‌های متخصصان و موقعیت بازار حسابرسان متخصص تأکید کرده است. می‌هو و ویلکینز (۲۰۰۳) دستمزدهای پرداختی به حسابرسان متخصص را که توسط مشتری‌هایی که برای اولین بار عرضه عمومی داشته‌اند، را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها دریافتند که با افزایش سهم بازار حسابرسی حق الزحمه‌های حسابرسی معمولاً کاهش می‌یابد. با این حال می‌هو و ویلکینز (۲۰۰۳) اذعان می‌کنند که هنگامی حسابرسان متخصص بتوانند خودشان را به طور چشمگیری از رقبای خود متمایز سازند حق الزحمه بیشتری خواهند داشت و این امر بیانگر این موضوع است که این متخصصان، حسابرسی با کیفیت تری ارائه

پروژه هایی سرمایه گذاری می کنند که خالص ارزش فعلی آنها مثبت است و افشاگری های عملیات شرکت معتبر است و ارزش گزینه هایی از کار افتاده به خوبی منعکس می شود.

با افزایش فرصت های سرمایه گذاری شرکت، فرصت های رشد شرکت متمایز می شود و احتمال دشوارتر و ریسک پذیرتر شدن حسابرسی بیشتر می شود در نتیجه حسابرس به نرخ بازده بیشتری نیاز دارد. همه این موارد مستلزم این است که حسابرس زمان بیشتری را صرف کند و به طور بالقوه منجر به افزایش حق الزحمه ها می شود. با صرف نظر کردن از رابطه متقابل بین اطلاعات مربوط به صنعت و شرکت انتظار داریم اطلاعات مربوط به شرکت تأثیر مستقیمی بر حق الزحمه حسابرسی همه حسابرسان داشته باشد. بنابراین انتظار داریم حق الزحمه های حسابرسی با توجه به فرصت های سرمایه گذاری شرکت هم برای متخصصان و هم برای غیرمتخصصان افزایش یابد.

۳- فرضیه های پژوهش

با توجه به آنچه در مبانی نظری مطرح گردید، و با در نظر داشتن اهداف تحقیق فرضیه اول این پژوهش به شرح ذیل تبیین می گردد:

فرضیه اول: حق الزحمه های حسابرسی برای مشتریانی که دارای فرصت های سرمایه گذاری بالایی نسبت به سایر شرکتها هستند، بیشتر می باشد.

استدلال مخالفی که برای فرضیه اول وجود دارد این است که وجود فرصت های رشد منحصر به فرد می تواند شرکت را بعنوان یک مشتری جذابتر نشان دهد، زیرا ارزش فعلی حق الزحمه های مورد انتظار آینده بیشتر است. در چنین حالتی براساس استدلال دی آنجلو (۱۹۸۱) حسابرس ممکن است برای بدست آوردن مشتری حق الزحمه های فعلی را کاهش دهد. مثبت یا منفی بودن رابطه فرصت های سرمایه گذاری شرکت و حق الزحمه های حسابرسی یک موضوع تجربی است.

فرضیه دوم تأثیر فرصت های سرمایه گذاری شرکت بر حق الزحمه های بیشتری که حسابرسان متخصص صنعت مطالبه می نمایند، را در نظر می گیرد. پژوهش های گذشته نشان می دهد حسابرسان متخصص صنعت برای خدمات یا محصولات بهتر یا متمایزتر حق الزحمه های بیشتری تعیین می کنند (دیفاند و همکاران، ۲۰۰۰، فرگوسن و همکاران، ۲۰۰۳؛ فرانسویس و همکاران، ۲۰۰۵). هنگامی که فرصت های سرمایه گذاری شرکت بالا باشد، حسابرس متخصص می تواند اطلاعات و مهارت کسب کرده از یک شرکت را به سایر شرکت های همان صنعت منتقل کند و به طور بالقوه حق الزحمه

تفاوتهای بیشتر در میان شرکت های موجود در یک صنعت است. بنابراین تجزیه و تحلیل های کرنی و یانگ (۲۰۰۶) دو پیامد برای متخصصان صنعت دارد که با افزایش ناهمگونی در صنعت (۱) متخصص باید در اطلاعات مربوط به شرکت سرمایه گذاری بیشتری انجام دهد و (۲) اطلاعات مربوط به صنعت ارزش کمتری پیدا می کنند.

حال برای بررسی تأثیر تفاوت های درون صنعت بر حق الزحمه حسابرسان متخصص به فرصت های سرمایه گذاری شرکت تاکید می کنیم، زیرا فرصت های سرمایه گذاری شامل سرمایه گذاری در مؤلفه های صنعت و مؤلفه های مربوط به شرکت می باشد. فرصت های سرمایه گذاری شرکت در سطح بنیادی حائز اهمیت است، زیرا عامل اصلی تأثیر گذار در مدل تجاری شرکت و عملکردهای آن می باشد (اسمیت و واتز، ۱۹۹۲؛ گاور، ۱۹۹۳). همچنین فرصت های سرمایه گذاری شرکت می تواند بر ریسک حسابرسی شرکت تأثیر بگذارد. از آجاییکه گزینه های رشد بسیار به هزینه های ثابت اختیاری بستگی دارد فرصت های سرمایه گذاری با افزایش فرصت طلبی های مدیریتی می تواند ریسک حسابرسی شرکت را افزایش دهد. اسکینر و اسلوان (۲۰۰۲) شواهدی را ارائه می دهند که نشان می دهد شرکت های رو به رشد برای پیش بینی درآمدها با فشار شدیدی مواجه می شوند، در حالی که اسمیت و واتز (۱۹۹۲) خاطر نشان می کنند که معمولاً در شرکت های رو به رشد نسبت به شرکت هایی که فرصت های سرمایه گذاری آنها کمتر می باشد عدم تقارن اطلاعات بیشتر است. لذا همه اینها ریسک یا چالش را در فرآیندهای ارزش گذاری خدمات حسابرسی ایجاد می کند. از آنجاییکه شرکت هایی که رشد زیاد دارند اغلب تغییرات سریعی نیز دارند در نتیجه روش های قدیمی حسابرسی (مقایسه نسبت ها با سال های گذشته یا میانگین های صنعتی) کاربرد کمتری دارد و باید از روش های جدید حسابرسی استفاده کرد. در این شرایط تکمیل حسابرسی زمان بیشتری می برد و حسابرس با ریسک های بیشتری مواجه می شود.

با توجه به اینکه فرصت های رشد معمولاً غیرقابل مشاهده می باشد (آدام و گوئیال، ۲۰۰۸) لذا برنامه ریزی و کنترل های کارآمد داخلی دشوارتر است و ریسک کنترل افزایش می یابد. با در نظر گرفتن ماهیت پیچیده و تکنیکی بسیاری از فرصت های سرمایه گذاری ریسک عدم کشف نیز ممکن است افزایش یابد. گادفری و همیلتون (۲۰۰۵) نشان دادند که فرصت های سرمایه گذاری شرکت می تواند بر روی تقاضا برای حسابرسان متخصص تأثیر بگذارد و تقاضا برای حسابرس متخصص افزایش می یابد زیرا سرمایه گذاران باید مطمئن شوند که شرکتها در

- ۲) طی سال‌های ۸۰ تا ۹۱ تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشد
- ۳) جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گران مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ) نباشند.
- ۴) اطلاعات آن‌ها در دسترس بوده، وقفه معاملاتی بیش از شش ماه در دوره زمانی تحقیق نداشته باشد.

با مد نظر قرار دادن محدودیت‌های فوق، جامعه آماری این تحقیق شامل ۹۰ شرکت (۵۴۰ سال - شرکت)، می‌شود که به دلیل محدود بودن تعداد شرکت‌های جامعه آماری، ۹۰ شرکت مورد بررسی قرار گرفت است. به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، از نرم‌افزار ره آورد نوین و سایت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی بورس اوراق بهادار تهران و کدال استفاده شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها از طریق صفحات گسترده طبقه‌بندی و محاسبه و با استفاده از بسته نرم‌افزارهای آماری Eviews نسخه ۷ و spss نسخه ۲۲ مورد پردازش قرار گرفته است.

۵- متغیرهای پژوهش و روش اندازه‌گیری آن‌ها

در این پژوهش، حق الزحمه حسابرسان به عنوان متغیر وابسته، فرصت‌های سرمایه‌گذاری حسابرسان برای مشتریان و تخصص صنعت به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است.

حق الزحمه حسابرسان

حق الزحمه حسابرسان، منعکس‌کننده هزینه‌های اقتصادی حسابرسان کارآمد می‌باشد. از منظر حسابرسان، حسابرسان به دنبال حداقل کردن کل هزینه‌ها از طریق تراز کردن هزینه منابع خود (هزینه‌های انجام کار حسابرسان بیشتر) و زیان‌های آتی ناشی از بدهی قانونی می‌باشد. تلاش بیشتر حسابرسان احتمال اینکه حسابرسان متحمل زیانهای بدهی شوند را کاهش می‌دهد و حسابرسان حجمی از کارهای حسابرسان را که کل هزینه‌ها را حداقل می‌کند ارائه می‌نماید (کارسلو و همکاران، ۲۰۰۲).

حسابرسان متخصص صنعت:

بسیاری از معیارهای مورد استفاده در اندازه‌گیری تخصص در صنعت حسابرسان از طریق ابزارهایی همچون پرسشنامه و یا مصاحبه جمع‌آوری می‌شوند که خود بر اعتبار نتایج تحقیق تاثیر می‌گذارد. تخصص در صنعت حسابرسان با استفاده از دو رویکرد سهم بازار و سهم پرتفوی موسسه حسابرسان محاسبه

حسابرسان متخصص بیشتر می‌شود. با این حال این انتقال در زمانی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت بالاست دشوار و یا امکانپذیر نمی‌باشد، به عبارت دیگر اطلاعات مربوط به شرکت را نمی‌توان به فراتر از شرکت منتقل نمود و همچنین خدماتی که حسابرسان متخصص صنعت ارائه می‌دهند برای شرکت‌هایی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت آنها بالاست، سودمند نمی‌باشد بنابراین هنگامی که مشتری حسابرسان متخصص را انتخاب می‌نماید بالاتر بودن حق الزحمه او را درک نمی‌کند.

ما انتظار داریم زمانی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت بالاتر است، تعیین حق الزحمه بیشتر به منظور تخصصی‌سازی کامل برای حسابرسان متخصص صنعت دشوار باشد. هنگامی که حسابرسان (متخصص یا غیر متخصص) نسبت به محیط منحصر به فرد مشتری آگاهی پیدا می‌کند مشتری باید زمان و منابع خود را در فرآیندهای آموزشی و یادگیری‌های حسابرسان سرمایه‌گذاری کند. بنابراین حسابرسان در موقعیتی نیست که سطح حق الزحمه خود را در سطح شرکت‌هایی تعیین کند که فرصت‌های رشد آنها مشابه است (پایین تر بودن فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت). بنابراین پیش‌بینی می‌شود که حق الزحمه متخصصان صنعتی با فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت رابطه منفی دارد. کرنی و یانگ (۲۰۰۶) و کاهان و همکاران (۲۰۰۸) معتقد هستند که ناهمگونی درون صنعت موجب دشوارتر شدن تخصصی‌سازی صنعت می‌شود و با افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت، اطلاعاتی که حسابرسان متخصص در مورد فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت دارد کم ارزش تر خواهد شد.

با توجه به آنچه که تاکنون مطرح گردید، فرضیه دوم این پژوهش به شرح ذیل تبیین می‌گردد:

فرضیه دوم: شرکت‌هایی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری مربوط به آنها نسبت به سایر شرکت‌ها بیشتر باشد، حق الزحمه حسابرسان متخصص صنعت کمتر است.

۴- روش شناسی پژوهش

جامعه آماری این تحقیق، کلیه شرکت‌هایی می‌باشد که حداقل از ابتدای سال ۱۳۸۶ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده تا پایان سال ۱۳۹۱ در آن حضور داشته و از ۴ ویژگی زیر برخوردار باشند.

- ۱) برای رعایت قابلیت مقایسه پذیری، دوره مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد

FIOS: فرصت های سرمایه گذاری مربوط به شرکت. SPEC: تخصص صنعت حسابرس. IIOS: عبارت است از فرصت های سرمایه گذاری مربوط به صنعت. HIOS: عبارت است از همگنی فرصت های سرمایه گذاری مربوط به صنعت. که برای محاسبه این متغیر انحراف معیار استاندارد فرصت های سرمایه گذاری در هر صنعت محاسبه و در منفی یک ضرب می شود.

متغیرهای کنترلی مورد استفاده در مدل فوق شامل موارد زیر می باشد :

LNASSET: اندازه شرکت که معادل لگاریتم طبیعی مجموع دارایی های شرکت می باشد. CATA: نسبت بدهی جاری به مجموع دارایی ها. DE: نسبت بدهی های بلند مدت به حقوق صاحبان سهام. ROA: بازده دارایی ها. QUICK: نسبت دارایی جاری منهای موجودی کالا به بدهی های جاری. LOSS: اگر شرکت زیان داشته باشد یک و در غیر این صورت صفر. BIG: اگر شرکت ها توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده باشند یک و در غیر این صورت صفر.

۷- نتایج پژوهش

۷-۱- تحلیل عاملی برای انتخاب متغیر فرصت های

سرمایه گذاری شرکت (IOS)

با توجه به تعریف ارائه شده از متغیر فرصت های سرمایه گذاری، برای برآزش مدل ها ابتدا باید متغیر فرصت های سرمایه گذاری شرکت (IOS) محاسبه شود. در تحقیق حاضر، اولین عامل اصلی در تحلیل عاملی سه متغیر شدت سرمایه گذاری (INVINT)، نرخ رشد ارزش بازار دارایی ها (MVAGR)، نسبت ارزش بازار بر ارزش دفتری (MBE)، به عنوان متغیر فرصت های سرمایه گذاری استفاده می شود. انتخاب این متغیرها بر اساس پژوهش بابر و همکاران (۱۹۹۶) بوده است.

برای انتخاب متغیرهای مناسب برای انجام تحلیل عاملی از آزمون KMO، که مقدار آن بین صفر و یک بوده استفاده می شود. لذا در صورتی که این مقدار بیشتر از ۰/۷۰ باشد همبستگی موجود میان داده ها برای تحلیل داده ها مناسب خواهد بود. همچنین برای اطمینان از مناسب بودن داده ها برای تحلیل عاملی از آزمون بارتلت مبنی بر اینکه ماتریس همبستگی که پایه تحلیل عاملی قرار می گیرد برابر صفر است یا خیر (ماتریس واحد است یا خیر) استفاده شد لذا اگر این مقدار کمتر از ۰/۰۵ باشد داده ها معنی دار خواهد بود. نتایج این دو آزمون در نگاره های ذیل نشان داده شده است.

می شود، لذا با توجه به اینکه جمع آوری اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه تخصص در صنعت حسابرس با استفاده از رویکرد سهم پرتفوی موسسه حسابرسی در ایران با مشکلات فراوانی رو به رو می باشد، در این تحقیق از رویکرد سهم بازار استفاده شده است و تخصص در صنعت به صورت مجموع دارایی های تمام صاحبکاران یک موسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم بر مجموعه دارایی های صاحبکاران در این صنعت تعریف می شود. در صورتی که حسابرس متخصص باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر را می پذیرد (واعظ و همکاران، ۱۳۹۲).

فرصت های سرمایه گذاری

فرصت های سرمایه گذاری شامل فرصت های ویژه شرکت است که خاص مشتری بوده و همچنین فرصت هایی که قابل تعمیم به صنعت مورد نظر مشتری است و قابل دسترسی برای همه شرکت ها می باشد. متغیر فرصت های سرمایه گذاری در طی دوره مالی، از طریق اولین عامل اصلی در تحلیل عاملی سه متغیر شدت سرمایه گذاری، نرخ رشد ارزش بازار داراییها و نسبت ارزش بازار بر ارزش دفتری جمع دارایی ها بدست می آید. نحوه اندازه گیری این متغیرها در ادامه ذکر گردیده است.

شدت سرمایه گذاری (INVINT): نسبت خالص دارایی های ثابت به کل دارایی ها

نرخ رشد ارزش بازار دارایی ها (MVAGR): نسبت ارزش بازار دارایی ها سال t نسبت به سال قبل، که در آن ارزش بازار دارایی های شرکت برابر است با جمع ارزش دفتری مجموع دارایی ها و ارزش بازار سهام عادی منهای ارزش دفتری سهام عادی.

نسبت ارزش بازار بر ارزش دفتری مجموع دارایی ها (MBE).

۶- مدل پژوهش

جهت آزمون فرضیه های پژوهش به پیروی از پژوهش کاهان و همکاران (۲۰۱۴) از مدل زیر استفاده می شود:

$$\begin{aligned} \text{LNFEES}_{it} = & \partial_0 + \partial_1 \text{FIOS}_{it} + \partial_2 \text{SPEC}_{it} * \text{FIOS}_{it} \\ & + \partial_3 \text{SPEC}_{it} + \partial_4 \text{IIOS}_{kt} + \partial_5 \text{HIOS}_{kt} \\ & + \partial_6 \text{IIOS}_{kt} * \text{HIOS}_{kt} \\ & + \partial_7 \text{LNASSETS}_{it} + \partial_8 \text{CATA}_{it} \\ & + \partial_9 \text{DE}_{it} + \partial_{10} \text{ROA}_{it} + \partial_{11} \text{QUICK}_{it} \\ & + \partial_{12} \text{LOSS}_{it} + \partial_{13} \text{BIG}_{it} \end{aligned}$$

که در مدل مزبور:

جدول (۱) آزمون KMO و آزمون بارتلت

۰/۶۸۲	KMO معیار مناسب بودن نمونه گیری	
۹/۶۶۸	کای دو	
۳	درجه آزادی	
۰/۰۲۲	معناداری	

در جدول (۱) با توجه به اینکه سطح معنی‌داری در آزمون بارتلت کمتر از ۰/۰۵ است ماتریس همبستگی، ماتریس واحد نیست و متغیرها با هم رابطه دارند.

در جدول (۲) میزان واریانس مشترک بین یک متغیر با سایر متغیرهای استخراجی در تحلیل ارائه شده است.

جدول (۲) اشتراکات واریانس بین متغیرها

نام متغیر	اشتراکات اولیه	اشتراکات استخراجی
شدت سرمایه‌گذاری (نسبت خالص داراییهای ثابت به کل دارایی‌ها)	۱/۰۰۰	۰/۸۹۱
نرخ رشد ارزش بازار دارایی‌ها	۱/۰۰۰	۰/۶۳۸
نسبت ارزش بازار بر ارزش دفتری	۱/۰۰۰	۰/۶۲۶
روش استخراجی: تجزیه و تحلیل اجزای اصلی		

اشتراکات اولیه، برآوردهای واریانس در هر متغیر را نشان می‌دهد که توسط همه اجزای بکار گرفته شده و برای استخراج اجزای اصلی اشتراکات اولیه همواره برابر یکمی باشد. اشتراکات

استخراجی، برآوردهای واریانس در هر متغیر بوده که توسط عوامل استخراجی بکار گرفته شده است. این اشتراکات برای همه متغیرها تقریباً بالاست که بیانگر این مطلب بوده که اجزای استخراجی به خوبی نماینده متغیرها هستند.

در جدول (۳)، همه عوامل قابل استخراج از تجزیه و تحلیل همراه با مقادیر خاص اولیه، درصد واریانس و واریانس انباشته هر عامل ارائه شده است.

اولین بخش جدول مزبور، مقادیر خاص اولیه را نشان می‌دهد و ستون جمع در این بخش نشان دهنده مقدار واریانس در متغیرهای اولیه بکار گرفته شده توسط هر جزء میباشد. مقادیر خاص بیشتر از یک در بخش اجزای استخراجی نشان داده شده لذا همانطور که مشاهده می‌شود اجزای استخراجی، نزدیک به ۷۲ درصد تغییرپذیری ۳ متغیر اولیه را توضیح می‌دهند. در بخش سوم جدول فوق، اجزای چرخش یافته نشان داده شده است.

جدول (۴) ماتریس اجزای چرخش یافته را نشان می‌دهد این جدول بیانگر این موضوع است که کدام جزء باید انتخاب شود.

نسبت ارزش بازار دارایی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌ها (MBE) بهترین نماینده بوده، زیرا با جزء دوم کمترین همبستگی را دارد (۰/۲۶۲-). بنابراین در این تحقیق نسبت ارزش بازار دارایی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌ها به عنوان نماینده متغیر فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت انتخاب شده است.

جدول (۳) مجموع واریانس

اجزاء	مقادیر خاص اولیه		مجموع مربعات استخراجی			مجموع مربعات چرخش یافته		
	جمع	درصد واریانس	جمع	درصد واریانس انباشته	درصد واریانس	جمع	درصد واریانس انباشته	
۱	۱/۱۳۲	۳۷/۷۳۲	۱/۱۳۲	۳۷/۷۳۲	۳۷/۷۳۲	۱/۱۳۲	۳۷/۷۳۲	
۲	۱/۰۲۳	۳۴/۰۹۰	۱/۰۲۳	۷۱/۸۲۲	۳۴/۰۹۰	۱/۰۲۳	۳۴/۰۹۰	
۳	۰/۸۴۵	۲۸/۱۷۹						

جدول (۴) ماتریس اجزای چرخش یافته

نام متغیر	اجزاء	
	۱	۲
شدت سرمایه‌گذاری (نسبت خالص داراییهای ثابت به کل دارایی‌ها)	-۰/۰۰۱	۰/۹۴۴
رشد ارزش بازار دارایی‌ها	۰/۲۵۲	۰/۷۵۸
نسبت ارزش بازار بر ارزش دفتری دارایی‌ها	۰/۷۴۷	-۰/۲۶۲

۲-۷- تجزیه و تحلیل نتایج - آمار توصیفی

اطلاعات مربوط به آمار توصیفی تحقیق اعم از متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی از داده‌های ۶ ساله شرکت‌ها گردآوری شده است. آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرها در جدول (۵) ارائه شده که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا می باشد. با توجه به یافته‌های جدول مزبور، میانگین (انحراف معیار) متغیرهای فرصت‌های سرمایه گذاری (FIOS) شرکت‌های نمونه معادل ۱/۳۴۲ (۱/۱۷۲)، فرصت‌های سرمایه گذاری

مربوط به صنعت (IIOS) معادل ۱/۱۹۱ (۱/۱۹۵) و همگنی فرصت‌های سرمایه گذاری مربوط به صنعت (HIOS) معادل ۰/۶۸۲ (۰/۵۹۱) می باشد، در حقیقت میانگین FIOS بیشتر از میانگین IIOS بوده که این موضوع نشان می‌دهد، تعداد صنایع با فرصت‌های سرمایه گذاری بالا نسبت به صنایع با فرصت‌های سرمایه گذاری پایین تر، کمتر است. با توجه به جدول فوق، ۴۳ درصد شرکت‌ها توسط حسابرسان متخصص حسابرسی شده اند و ۲۰ درصد این شرکت‌ها توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده‌اند.

جدول (۵) آمار توصیفی مدل تحقیق

متغیر	نماد	میانگین	میان	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی	LNFE	۶/۰۶۳	۵/۹۹۱	۰/۸۰۹	۹/۲۸۲	۲/۷۰۸
تخصص صنعت حسابرس	SPEC	۰/۴۲۷	۰/۰۰۰	۰/۴۹۵	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
فرصت‌های سرمایه گذاری	FOIS	۱/۳۴۲	۱/۱۷۲	۰/۶۸۹	۵/۶۱۶	-۳/۴۹۰
فرصت‌های سرمایه گذاری مربوط به صنعت	IIOS	۱/۱۹۱	۱/۱۹۵	۰/۱۴۳	۱/۵۴۶	۱/۰۳۱
همگنی فرصت‌های سرمایه گذاری مربوط به صنعت	HOIS	-۰/۶۷۴	-۰/۵۷۳	۰/۲۹۶	-۱/۶۱۶	-۰/۰۰۲
لگاریتم طبیعی مجموع دارایی ها	LNATA	۱۳/۰۰۷	۱۲/۹۷۸	۱/۱۶۰	۱۷/۹۷۷	۱۰/۰۳۱
بازده دارایی ها	ROA	۰/۰۹۱	۰/۰۸۴	۰/۱۲۹	۰/۶۳۱	-۰/۳۸۷
زیان	LOSS	۰/۸۵۵	۰/۰۰۰	۰/۳۵۲	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
نسبت بدهی جاری به مجموع دارایی ها	CATA	۰/۶۵۳	۰/۶۹۴	۰/۱۹۲	۰/۹۶۵	۰/۰۷۲
نسبت بدهی های بلند مدت به حقوق صاحبان سهام	DE	۰/۳۳۳	۰/۱۳۹	۲/۳۲۷	۴۶/۴۸۹	-۱۴/۵۶۹
نسبت دارایی جاری منهای موجودی کالا به بدهی های جاری	QUICK	۰/۸۱۹	۰/۷۲۱	۲/۸۶۴	۳/۹۷۵	۰/۱۹۱
اندازه مؤسسه حسابرسی	BIG	۰/۲۰۳	۰/۰۰۰	۱/۴۷۶	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰

۳-۷- بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای وابسته

نرمال بودن باقیمانده‌های مدل رگرسیونی یکی از فرض‌هایی رگرسیونی است که نشان‌دهنده اعتبار آزمون‌های رگرسیونی است، که در ادامه با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف نرمال بودن توزیع متغیر وابسته بررسی شده است. فرض صفر و فرض مقابل در این آزمون به صورت زیر می باشد.

H_0 : داده‌ها برای متغیر وابسته از توزیع نرمال پیروی می کند؛ H_1 : داده‌ها برای متغیر وابسته از توزیع نرمال پیروی نمی کند. چنانچه سطح معنی داری آماره کلموگروف-اسمیرنوف بیشتر از ۰/۰۵ باشد نشانگر تأیید فرض صفر و نرمال بودن متغیر وابسته است. نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول (۶) نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

متغیر	نماد	آماره آزمون	سطح معناداری
لگاریتم حق الزحمه حسابرسی	LNFE	۰/۰۴۸	۰/۰۵۶

۴-۷- انتخاب مدل مناسب برای آزمون فرضیه‌های

تحقیق

برای اندازه‌گیری متغیرها و آزمون فرضیه‌ی پژوهش، داده‌های شرکت‌های نمونه طی دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ گردآوری و استفاده شده است. در استفاده از داده‌های ترکیبی از مدل‌های مختلفی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌شود. این مدل‌ها شامل روش‌هایی مانند مدل اثر ثابت، مدل اثر تصادفی و مدل داده‌های تلفیقی است. بدین منظور برای آزمون

جدول (۹) نتایج حاصل از رگرسیون مدل ۱ فرضیه اول تحقیق

$$LNFEES_{it} = \theta_0 + \theta_1 FIOS_{it} + \theta_2 SPEC_{it} * FIOS_{it} + \theta_3 SPEC_{it} + \theta_4 IIOS_{kt} + \theta_5 HIOS_{kt} + \theta_6 IIOS_{kt} * HIOS_{kt} + \theta_7 LNASSETS_{it} + \theta_8 CATA_{it} + \theta_9 DE_{it} + \theta_{10} ROA_{it} + \theta_{11} QUICK_{it} + \theta_{12} LOSS_{it} + \theta_{13} BIG_{it}$$

متغیرها و مقدار ثابت	ضریب	p-value	آماره های مدل
β_0	۴/۵۹۱	۰/۰۲۶	$R^2=۰/۶۴۳$
$FIOS_{it}$	۰/۰۷۶	۰/۰۰۵	
$SPEC_{it} * FIOS_{it}$	-۰/۰۷۷	۰/۰۰۸	
$SPEC_{it}$	-۰/۰۵۵	۰/۳۴۷	$Adj R^2=۰/۶۳۱$
$IIOS_{kt}$	۰/۶۳۷	۰/۰۶۵	
$HIOS_{kt}$	۳/۱۸۲	۰/۳۲۶	
$HIOS_{kt} * HIOS_{kt}$	-۲/۸۶۳	۰/۲۹۹	$F-Statistic=۵۳/۸۹۲$
$LNASSETS_{it}$	۰/۱۰۴	۰/۰۴۶	
$CATA_{it}$	۰/۱۰۲	۰/۶۲۱	$۰/۰۰۰ = P-Value$
DE_{it}	-۰/۰۰۲	۰/۷۱۹	
ROA_{it}	۰/۲۶۹	۰/۴۶۶	
$QUICK_{it}$	-۰/۰۷۲	۰/۱۵۹	$Durbin-Watson=۲/۵۲۸$
$LOSS_{it}$	-۰/۰۴۴	۰/۵۱۲	
BIG_{it}	۰/۳۵۶	۰/۰۱۵	

با توجه به نتایج جدول فوق، ضریب متغیر FOIS مثبت (۰/۰۷۶) و ضریب معناداری (۰/۰۰۵) کمتر از ۰/۰۵ می باشد. نتایج نشان می‌دهد که حق الزحمه های حسابرسی برای مشتریانی که دارای فرصت های سرمایه گذاری بالایی نسبت به سایر شرکت‌ها هستند، بیشتر است. بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود. ضریب همبستگی رابطه متقابل تخصص صنعت حسابرس و فرصت‌های سرمایه‌گذاری ($SPEC_{it} * FIOS_{it}$)، منفی (۰/۰۷۷-) و ضریب معناداری (۰/۰۰۸) کمتر از ۰/۰۵ می باشد. نتایج نشان می‌دهد که در شرکت هایی که فرصت های سرمایه گذاری مربوط به آنها نسبت به سایر شرکت‌ها بیشتر باشد، حق الزحمه حسابرسان متخصص صنعت کمتر است.

فرضیه‌ها در ابتدا از نرم افزار Eviews و برای بررسی نوع آزمون مدل در دوره های زمانی مختلف از آزمون F لیمر (چاو) و آزمون هاسمن استفاده شده است (بخش شمس اله و خوانساری، ۱۳۸۴).

جدول (۷) نتایج آزمون F لیمر (چاو)

آزمون	مقدار آزمون	احتمال آزمون
آزمون F لیمر	۷/۹۹۱	۰/۰۰۰

مقدار سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه روش پنل دیتا (داده‌های تابلویی) پذیرفته می‌شود.

با توجه به اینکه روش داده‌های تابلویی پذیرفته شده، از آزمون هاسمن جهت انتخاب بین روش اثرات ثابت و تصادفی استفاده می‌شود.

جدول (۸) نتایج آزمون هاسمن

آزمون	مقدار آزمون	احتمال آزمون
آزمون هاسمن	۱۶/۷۴۴	۰/۱۵۹

برای بررسی نتایج آزمون هاسمن، در صورتی که احتمال آماره آزمون بیشتر از ۰/۰۵ باشد باید از روش اثرات تصادفی و در غیر این صورت از روش اثرات ثابت استفاده می‌شود. خلاصه نتایج آزمون هاسمن در جدول شماره ۸ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود احتمال آزمون بیشتر از ۰/۰۵ است در نتیجه روش اثرات تصادفی پذیرفته می‌شود.

۷-۵- آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول تحقیق بیان می‌کند حق الزحمه های حسابرسی برای مشتریانی که دارای فرصت های سرمایه گذاری بالایی نسبت به سایر شرکت‌ها هستند بیشتر است، و همچنین فرضیه دوم تحقیق اشاره دارد که در شرکت هایی که فرصت های سرمایه گذاری مربوط به آنها نسبت به سایر شرکت‌ها بیشتر باشد، حق الزحمه حسابرسان متخصص صنعت کمتر است. این فرضیه‌ها در سطح داده‌های ترکیبی با استفاده از مدل آزمون گردید که نتایج آن در جدول (۹) منعکس شده است. پس از برازش مدل مربوط به آزمون فرضیه‌ها، سطح معناداری آماره‌ی F (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت که رگرسیون در حالت کلی معنادار می‌باشد.

سرمایه گذاری. ما استدلال می کنیم که هر چه IOS مربوط به شرکت بیشتر باشد نیاز حسابرس به کسب اطلاعات در مورد مشتری (شرکت) افزایش می یابد و توانایی متخصصان در مطالبه حق الزحمه ی مزاد کاهش می یابد.

نتایج نشان می دهد که سطح IOS شرکت با حق الزحمه های حسابرسی آن رابطه مثبت دارد یعنی IOS مربوط به شرکت، هزینه های ارائه خدمات حسابرسی را افزایش می دهد. همچنین تأثیر متقابل انتخاب حسابرسان متخصص و بالا بودن IOS مربوط به شرکت میزان حق الزحمه ای که متخصصان تعیین می نمایند را کاهش داده و این موضوع با این استدلال مطابقت دارد که فرصت های مربوط به شرکت، حسابرسان متخصص را برای تولید محصول ارزشمند و قابل انتقال و متمایز از نظر صنعتی محدود می سازد. نتایج پژوهش ما به شرکت هایی که دارای بالاترین سطح IOS مربوط به شرکت بود و صناعی که سطح IOS صنعتی آنها بیشتر از حد میانگین است مربوط می شود. همچنین این تحقیق نشان می دهد که تأثیر متقابل منفی IOS مربوط به شرکت بر حق الزحمه متخصصان هم در شرکت های (مشتری های) بزرگ و هم در شرکت های کوچک وجود دارد. با این حال به نظر می رسد شرکت های بزرگ توانایی چانه زنی در مورد افزایش حق الزحمه ای که در رابطه با IOS مربوط به شرکت است را دارند. نتایج این پژوهش و پژوهش های اخیر که سعی در توضیح تفاوت های حق الزحمه متخصصان در صنایع داشته اند (مثل کاهان و همکاران، ۲۰۱۱؛ فرانسیس و سیوی، ۲۰۱۲؛ بیلز و همکاران، ۲۰۱۴) توضیح می دهد که چرا پژوهش هایی که در گذشته در مورد حق الزحمه متخصصان انجام شده کاملاً با هم تناقض داشته است. در حالی که مدارک نشان می دهد هر یک از حسابرسان بزرگ از یک استراتژی تخصصی سازی صنعتی استفاده کرده اند (هوگان و جتر، ۱۹۹۹؛ کاهان و همکاران، ۲۰۱۱)، نتایج ما نشان می دهد که بازده این استراتژی به ویژگی های شرکت و صنعت بستگی دارد.

فهرست منابع

- * شیرین بخش، شمس اله و حسن خوانساری، زهرا، (۱۳۸۴)، "کاربرد Eviews در اقتصاد سنجی"، چاپ دوم، انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی، تهران، ایران
- * علوی طبری، سید حسین. عارف منش، زهره، (۱۳۹۳). تخصص صنعت و پیامدهای حسابرسی. فصلنامه علمی- ترویجی پژوهش حسابداری. دوره ۳ شماره ۴. صفحات ۴۵-۲۱.

بنابراین فرضیه دوم تحقیق تأیید می شود. همچنین با توجه به یافته های جدول فوق، فرصت های سرمایه گذاری حسابرسی برای مشتریان مربوط به صنعت (IOS)، دارای ضریب مثبت است که نشان می دهد زمانی که سطح IOS در صنعت بالاست، حق الزحمه های حسابرسی بیشتر است که این موضوع با پژوهش کاهان و همکاران مطابقت دارد. همچنین سطح معناداری متغیرهای اندازه شـرکت (LNASSETS_{it}) و اندازه مؤسسه حسابرسی (BIG) کمتر از ۰/۰۵ بوده که نشان دهنده معناداری متغیرهای فوق می باشد. از طرف دیگر با توجه به نتایج جدول فوق متغیرهای، نسبت بدهی جاری به مجموع دارایی ها (CATA)، نسبت بدهی های بلند مدت به حقوق صاحبان سهام (DE)، بازده دارایی ها (ROA)، نسبت دارایی جاری منهای موجودی کالا به بدهی های جاری (QUICK) و زیان (LOSS) بیشتر از ۰/۰۵ بوده که نشان دهنده معنادار نبودن متغیرهای فوق می باشد. در این مدل مقدار آماره دوربین واتسون بعد از رفع خود همبستگی از طریق جزء AR، برابر ۲/۵۲۸ می باشد که نشان می دهد همبستگی بین توالی وجود ندارد. ضریب تعیین تعدیل شده در این مدل ۰/۵۴ است که بیانگر این موضوع است که متغیرهای مستقل تقریباً ۵۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می دهند.

نتایج این تحقیق با مطالعه صورت گرفته توسط کاهان و همکاران (۲۰۱۴) در مورد فرضیه اول و دوم تحقیق سازگار می باشد، یعنی در مطالعه فوق، حق الزحمه های حسابرسی برای مشتریانی که فرصت های سرمایه گذاری مربوط به شرکت آنها بالاتر از مشتریانی که فرصت های سرمایه گذاری کمتری دارند، بیشتر بوده و همچنین شرکت هایی که فرصت های سرمایه گذاری مربوط به آنها نسبت به سایر شرکت ها بیشتر باشد، حق الزحمه حسابرسان متخصص صنعت کمتر است. ضمن آنکه همچنین وجود ضریب منفی برای متغیر متخصص صنعت حسابرس در این تحقیق با مطالعات صورت گرفته توسط کراس ول و همکاران (۱۹۹۵) و کارسون (۲۰۰۹)، ناسازگار می باشد.

۸- نتیجه گیری و بحث

در این پژوهش نقش فرصت های سرمایه گذاری مربوط به شرکت را در تعیین حق الزحمه های حسابرسی و تأثیر آن بر بیشتر بودن حق الزحمه های حسابرسان متخصص صنعتی بررسی شده است. بدین منظور سه بخش مجزا در متون علمی به هم مرتبط می شود: تخصصی کردن صنعتی حسابرسان، شاخص ها، قیمت گذاری حسابرسی و تأثیرات فرصت های

- * مهرانی، ساسان. جمشیدی اوانکی، کوروش، (۱۳۹۰). عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی. فصلنامه حسابدار رسمی. شماره ۱۳
- * واعظ، سید علی. احمدی، محمدرمضان. رشیدی باغی، محسن، (۱۳۹۲). تاثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها. فصلنامه علمی - پژوهشی دانش حسابداری مالی. سال سوم، شماره ۱. پایبی (۷).
- * Adam, T. & Goyal, V. K. (2008), 'The investment opportunity set and its proxy variables', *Journal of Financial Research*, Vol. 31, pp. 41-63.
- * Baber, W. R., Janakiraman, S. N. & Kang, S. H. (1996) 'Investment opportunities and the structure of executive compensation', *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 21, pp. 297-318.
- * Bills, K. L., Jeter, D. C. & Stein, S. E. (2014), 'Auditor industry specialization and evidence of cost efficiencies in homogeneous industries'. Working paper, Colorado State University, Vanderbilt University and Virginia Polytechnic Institute and State University.
- * Cahan, S. F., Godfrey, J. M., Hamilton, J. & Jeter, D. C. (2008), 'Auditor specialization, auditor dominance, and audit fees: The role of investment opportunities', *The Accounting Review*, Vol. 83, pp. 1393-423.
- * Cahan, S. F., Jeter, D. C. & Naiker, V. (2011), 'Are all industry specialist auditors the same?', *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 30, pp. 191-222.
- * Cahan, S.F., Godfrey, J. M., Hamilton, j. Jeter, D. (2014), 'The Association between Client-specific Investment Opportunities and Audit Fees of Industry Specialists and Non-Speciali', *International Journal of Auditing*, DOI: 10.1111/ijau.12029
- * Cairney, T. & Young, G. (2006), 'Homogeneous industries and auditor concentration: An indication of production economics', *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 25, pp. 49-67.
- * Carcello, J., D. Hermanson, T. Neal and R. Riley (2002). "Board characteristics and audit fees", *Contemporary Accounting Research*, Vol. 19, pp. 365-385.
- * Carson, E. (2009), 'Industry specialization by global audit firm networks', *The Accounting Review*, Vol. 84, pp. 355-82.
- * Craswell, A., Francis, J. & Taylor, S. (1995), 'Auditor brand name reputation and industry specialization', *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 20, pp. 297-322.
- * DeAngelo, L. E. (1981), 'Auditor independence, "low balling", and disclosure regulation', *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 3, pp. 113-27.
- * DeFond, M. L., Francis, J. R. & Wong, T. J. (2000), 'Auditor industry specialization and market segmentation: Evidence from Hong Kong', *Auditing: A Journal of Theory and Practice*, Vol. 19, pp. 49-66.
- * Ferguson, A. & Stokes, D. (2002), 'Brand name audit pricing, industry specialization and industry leadership premiums post Big 8 and Big 6 mergers', *Contemporary Accounting Research*, Vol. 19, pp. 77-110.
- * Ferguson, A., Francis, J. & Stokes, D. (2003), 'The effects of firm-wide and office-level industry expertise on audit pricing', *The Accounting Review*, Vol. 78, pp. 429-48.
- * Francis, J. R. & Seavey, S. E. (2012), 'Industry complexity, earnings quality, and auditor expertise'. Working paper, University of Missouri, Columbia, and University of Nebraska.
- * Francis, J. R. & Yu, M. (2009), 'Big 4 office size and audit quality', *The Accounting Review*, Vol. 84, pp. 1521-52.
- * Francis, J. R., Reichelt, K. & Wang, D. (2005), 'The pricing of national and city-specific reputations for industry expertise in the US audit market', *The Accounting Review*, Vol. 80, pp. 113-36.
- * Gaver, J. J. & Gaver, K. M. (1993), 'Additional evidence on the association between the investment opportunity set and corporate financing, dividend and compensation policies', *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 16, pp. 125-60.
- * General Accounting Office (2003), Public accounting firms: Mandated study on consolidation and competition. GAO report 03-864, Washington, DC.
- * General Accounting Office (2006), Sarbanes-Oxley Act: Consideration of Key Principles Needed in Addressing Implementation for Smaller Public Companies. GAO report 06-361, Washington, DC.
- * General Accounting Office (2008), Audits of Public Companies: Continued Concentration in Audit Market for Large Public Companies Does Not Call for Immediate Action. GAO report 08-163, Washington, DC.
- * Godfrey, J. M. & Hamilton, J. (2005), 'The impact of R&D intensity on demand for specialist auditor services', *Contemporary Accounting Research*, Vol. 22, pp. 55-93.
- * Mayhew, B. W. & Wilkins, M. S. (2003), 'Audit firm industry specialization as a differentiation strategy: Evidence from fees charged to firms going public', *Auditing: A Journal of Theory and Practice*, Vol. 22, pp. 33-52.
- * Moroney, R. & Simnett, R. (2009), 'Differences in industry specialist knowledge and business risk identification and evaluation', *Behavioral Research in Accounting*, Vol. 21, pp. 73-89.
- * O'Keefe, T. B., King, R. D. & Gaver, K. M. (1994), 'Audit fees, industry specialization, and compliance with GAAS reporting standards', *Auditing: A Journal of Theory and Practice*, Vol. 13, pp. 41-55.
- * Pearson, T. & Trompeter, G. (1994), 'Competition in the market for audit services: The effect of supplier concentration on audit fees', *Contemporary Accounting Research*, Vol. 11, pp. 115-35.
- * Reichelt, K. & Wang, D. (2010), 'National and office-specific measures of auditor industry expertise and effects on audit quality', *Journal of Accounting Research*, Vol. 48, pp. 647-86.
- * Smith, C. W. & Watts, R. L. (1992), 'The investment opportunity set and corporate financing, dividend and compensation policies', *Journal of Financial Economics*, Vol. 32, pp. 263-92